



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۸۴ ■ ۹ دی ۱۴۰۰

نوجوان  
بازار



فائزه نادری  
جامعه‌شناس

درباره شیوه‌های درست و

# آموزش رسد

من فکر می‌کنم اولین فعلی که انسان‌ها در بدو تولد یاد می‌گیرند و آن می‌ریزند و البته معلوم نیست این به خاطر ضربه محکمی است که پرستار به این دنیا مشکل دارد! و خوب این عادت تا آخرین لحظه عمر هم با او مخالفتش را بروز می‌دهد، یک زمان با داد و بی‌داد؛ یک وقت ای با هم به موضوعی معترض باشند که کلاف درباره ابعاد آن صحبت کرده‌ایم.



اما برای فوت کردن گرد و خاک تاریخچه مهم که زاییده اعتراضات مردمی در مقابل که سرمنشا انقلاب‌های بعدی شدند و یا اول انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ میلادی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و سوم انقلاب اسلامی ایران

می‌نویسیم و شهادت از این سه بود برای آزادی می‌خواست خود خدا و نه دین و نه کلیسای عشقش کشید، بی‌قاعده، آن گذاشت.



اعتراض از آن دست کلمه‌هایی است که بعید نیست با شنیدنش به یاد مشتهای گره‌کرده جمعیتی از مردمان در خیابان‌های عریض و طویل بیفتیم که داد می‌زنند و خواسته‌ای دارند. وقتی می‌گوییم اعتراض گروه‌هایی از مردم جلوی چشم ذهن مان قد می‌کشند که کیپ هم ایستاده‌اند و یکی شان دارد سعی می‌کند تلفن همراهش را طوری به روی جمعیت بگیرد که بنرها و شعارهای روی مقوا واضح‌تر در عکس بیفتند. زنی دارد با بچه‌ای در بغل فریاد می‌زند که این را می‌خواهیم و آن را نمی‌خواهیم. پیرمردی عصا به دست با عینک شماره ۴ دارد فکر می‌کند سیاست پدر و مادر ندارد و باید زودتر برگردد خانه و سر راه مقداری گوجه‌فرنگی و پیاز بخرد. رهگذران رد می‌شوند، بعضی نگاه می‌کنند و بعضی حواس شان پی‌آهنگی است که در گوش شان پخش می‌شود و خواننده داد می‌زند: دوست دارم من دیوونه و رهگذران در دودی خاکستری از ره می‌گذرند و سیل مردم معترض را پشت سر می‌گذارند. در ادبیات اجتماعی و سیاسی، اعتراض مجموعه‌ای از اقدامات مخالفت‌آمیز سیاسی و مدنی است که مردم علیه چیزی که مخالف آن هستند انجام می‌دهند تا بر سیاست عمومی تاثیر بگذارند. آن چیز می‌تواند یک روش، یک اندیشه، یک قانون یا هر چیز دیگری که فکرتش را بکنید باشد، چون آدم‌ها می‌توانند با هر چیزی مخالفت کنند.

از طرفی اعتراض نوعی کنش جمعی است که وضع موجود را زیر سوال می‌برد و خواهان تغییر اجتماعی و سیاسی است. اگر اعتراض فردی باشد می‌تواند تا سطح تظاهرات گسترده هم پیش برود و این بستگی به آن فرد، کاربزمای او و آرا و عقایدش دارد. صحنه‌های فیلم جوکر را به یاد بیاورید که چطور همه را به یک شورش عمومی خیابانی کشاند.

از دهه ۱۹۶۰ و پس از جنبش‌های سیاسی متعدد، به تدریج نگاه خام و منفی نسبت به اعتراض سیاسی به عنوان رفتاری احساس‌ساز و غیرعقلانی که باید با گلوله و پتک سرکوب شود، با دیدگاه‌هایی جایگزین شد که اعتراض سیاسی را به عنوان ابزاری نسبتاً معقول برای ترویج یا رسیدن به یک هدف در نظر می‌گرفتند. ساده بگوییم: اعتراض سیاسی دیگر خیلی هم چیز بدی نبود و اتفاقاً کلاس داشت که آدم‌ها تقی به توقی بخورد مقوا دست بگیرند و داد بزنند که ما اعتراض داریم؛ و تا اعتراض مان را گوش ندهید آرام نمی‌گی‌گیریم!

این اتفاق نتیجه تجربیات نسل جدیدی از دانش پژوهان علوم اجتماعی و سیاسی در نیمه دوم قرن بیستم بود که خودشان در اعتراضات شرکت می‌کردند و اگر هم در خانه می‌ماندند وزیر پتو به سروصدای بیرون پنجره گوش می‌دادند، با معترضان همدل بودند. این روند افزایش اعتراضات جمعی در سراسر جهان امروزه به طور وسیعی در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی پذیرفته شده و اگر خودتان سیاسی نیستید، کافی است یک بار گذرتان برای خرید کیف و کفش به بهارستان بیفتد تا ببینید روبه‌روی در مجلس چطور مردم ۸ صبح اعتراض خود را به طور مسالمت‌آمیز نشان می‌دهند. در واقع به علت وفور فعالیت‌های اعتراضی یا ستیزه‌جویانه این کنشگری‌ها دیگر نشانه اختلال و بی‌نظمی سیاسی نیست، بلکه نمادی از نشاط و سرزندگی و دیش دارد آدم را در جامعه نشان دولت و ملت می‌دهد (این الگودر غرب و به ویژه در فرانسه بیشتر مشاهده می‌شود).

